

## مولوی و ”مدح و قدح“

به نام خدا  
س. موسوی

۱۷ اسفند ۱۳۹۶

مدح و مدیحه‌سرایی در تاریخ بشر سابقه طولانی دارد. تمجید و تحسین برای آدمی چیز مطبوعی است. مولوی در این زمینه می‌گوید که:

آدمی اوّل حریصِ نان بُود      زان که قُوت و نان ستونِ جان بُود  
سوی کسب و سوی غصب و صد حیل      جان نهاده بر کف از حرص و اَمَل  
چون به نادر گشت، مُستغنی ز نان      عاشقِ نام‌ست و مدحِ شاعران<sup>۱</sup>

انسان در ابتدا، به دنبال رفع نیازهای اولیه خود می‌رود، تا بتواند به زیست خود ادامه دهد، پس از آن که آنها مهیا گشت، آنگاه در پی آوازه است و تحسین شاعران. این تشخیص مولوی عین صواب است، چرا که پاره‌ای از شاعران شعر خود را پیش شاهان می‌آوردند به امید این که خلعت و اکرام و جاه دریافت کنند. یعنی آنها از همین ویژگی آدمی استفاده و یا سوء استفاده می‌کردند. ناصر خسرو در همین زمینه می‌گوید که:

من آنم که در پایِ خوکان نریزم      مر این قیمتی دُرّ لفظِ دَری را  
یعنی آنها از همین ویژگی آدمی استفاده و یا سوء استفاده می‌کردند. ناصر خسرو در همین زمینه می‌گوید  
من آنم که در پایِ خوکان نریزم      مر این قیمتی دُرّ لفظِ دَری را  
به فاصله ابیات از متن‌های بالای آنها دقت کنید. آیا این رفتار طبیعی است.